



Ilam University



Iranian Association
of Constitutional Law

The Conditions Governing the Payment of Spousal Maintenance and the Legal and Criminal Enforcement Guarantees Regarding Refusal to Pay Maintenance in the Legal System of Iran and Egypt

Alireza Shekarbeigi¹, Omid Emamy²

1. Assistant Prof. in Criminal Law and Criminology Dep., Faculty of Law, Payame Noor University, Tehran, Iran (Corresponding Author). E-mail: alireza.shakarbaigi@pnu.ac.ir

2. Ph.D student in criminal law and criminology Dep., Islamic Azad University, Tehran branch, Tehran, Iran. E-mail: omid.emamy@yahoo.com

Article Info

ABSTRACT

Article type:

Research Article

Article history:

Received 26 April 2024

Received in revised form 28 May 2024

Accepted 10 June 2024

Available online 30 June 2024

Keywords:

spouse alimony,
financial rights,
criminal law of Iran and Egypt,
reprimand,
imprisonment

One of the financial obligations arising from cohabitation is the provision of necessary expenses, which are foreseen in the legal systems in the form of alimony. One of the basic sources of rights of any country is the relevant laws of that country, because many of the rights of individuals are specified and determined in the laws of the countries, and it is through referring to the laws that one can determine the extent of the rights of individuals. Since the law of Iran is derived from Sharia, the husband is required to pay alimony to his wife, and his refusal to do so only in cases that are recognized as permissible by mystics and exempts him from the crime of abandoning alimony. Affecting the French law, this issue is observed in Egyptian law, and similar to the penal Code and the Iranian family protection law, a couple who refuses to pay alimony is sentenced to prison. Based on this, considering the many practical similarities in this article, we analyzed the descriptive analysis of cases of inclusion, objection and guarantee of executions and concluded that the only differences are the criteria for determining the amount and duration of imprisonment as a guarantee of execution.

Cite this article: Shekarbeigi, Alireza., Emamy, Omid. (2024). The conditions governing the payment of spousal maintenance and the legal and criminal enforcement guarantees regarding refusal to pay maintenance in the legal system of Iran and Egypt. *Comparative Studies on Islamic Countries Law*, 2 (2), 17- 32. <http://doi.org/10.22034/lcs.2024.2031652.1043>



© The Author(s).

DOI: <http://doi.org/10.22034/lcs.2024.2031652.1043>

Publisher: Ilam University.



Ilam University



Iranian Association
of Constitutional Law

شرایط حاکم بر پرداخت نفقه زوجه و ضمانت‌های اجرایی حقوقی و کیفری ناظر بر استنکاف از پرداخت نفقه در نظام حقوقی ایران و مصر

علیرضا شکرپیگی^۱ | امید امامی^۲

۱. استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول). رایانامه: alireza.shakarbaigi@pnu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران. رایانامه: omid.emamy@yahoo.com

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۰۷

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۳/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۴/۱۰

از جمله تکالیف مالی ناشی از زندگی مشترک، تأمین هزینه‌های ضروری است که در قالب نفقه، در نظام‌های حقوقی پیش‌بینی شده است. یکی از منابع اساسی حقوق هر کشور، قوانین موضوعه آن کشور می‌باشد، چراکه بسیاری از حقوق اشخاص در قوانین کشورها تصریح و تعیین می‌گردد و از طریق مراجعه به قوانین است که می‌توان میزان حقوق اشخاص را تشخیص داد. از آنجاکه قانون ایران برگرفته از شرع است لذا زوج ملزم به پرداخت نفقه زوجه است و استنکاف وی تنها در مواردی که عرفاً مجاز شناخته می‌شود؛ وی را از شمول جرم ترک انفاق میری می‌دارد. این مسئله در قانون مصر علی‌رغم تأسی از قانون فرانسه مشاهده می‌شود و همانند قانون مجازات و قانون حمایت از خانواده ایران زوج مستنکف از پرداخت نفقه به حبس محکوم می‌گردد. بر همین اساس با توجه به شباهت‌های عملی بسیار در این نوشتار به بررسی تحلیلی توصیفی موارد شمول، استنکاف و ضمانت اجراها پرداختیم و چنین نتیجه گرفتیم که تنها وجوه افتراق در خصوص معیارهای تعیین میزان و مدت حبس به‌عنوان ضمانت اجراست.

کلیدواژه‌ها:

نفقه زوجه،

حقوق مالی،

حقوق کیفری ایران و مصر،

استنکاف،

حبس.

استناد: شکرپیگی، علیرضا؛ امامی، امید (۱۴۰۳). شرایط حاکم بر پرداخت نفقه زوجه و ضمانت‌های اجرایی حقوقی و کیفری ناظر بر استنکاف از پرداخت نفقه در نظام حقوقی ایران و مصر. *مطالعات تطبیقی حقوق کشورهای اسلامی*، ۲(۲)، ۱۷-۳۲.

<http://doi.org/10.22034/lcs.2024.2031652.1043>

© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه ایلام.



مقدمه

نکاح رابطه حقوقی و عاطفی است که با عقد بین زن و مرد به وجود می‌آید. این رابطه از دو جهت مورد بررسی قرار می‌گیرد یکی از جهت آثار مالی که متعلق آن مهریه و نفقه است و از جهت غیرمالی متعلق آن حلیت بین زوج و زوجه و تمکین می‌باشد. پس از ازدواج زن و شوهر در مقابل یکدیگر وظایف و تکالیفی دارند یکی از این وظایف تمکین زن در مقابل شوهر است و شوهر هم زن را از حق نفقه برخوردار می‌گرداند. عدم تمکین زن سبب می‌شود که حق نفقه وی ساقط شود ولی در برخی از موارد به دلیل وجود موانعی قانون و فقه (شرع) این اجازه را به زن داده که در مقابل اعسار زوج از پرداخت نفقه از تمکین خودداری کند. مطابق مستندات دو قاعده لا ضرر و نفی عسر و حرج در صورتی که زوج معسر از پرداخت نفقه باشد زوجه می‌تواند از تمکین امتناع کند و هرگاه از اجرای احکام اولیه مشقتی غیرقابل تحمل مانند پرداختن نفقه به وجود بیاید تکلیف الزام به تمکین از زوجه برداشته می‌شود (احمدوند و شنبه‌پور، ۱۴۰۲). یکی از مهم‌ترین مسائل در حوزه حقوق خانواده این است که نفقه زوجه بر اساس چه معیاری تأمین شود. در این باره در بین فقهای امامیه دیدگاه یکسانی وجود ندارد به‌طور مثال برخی در تمامی نیازهای معیشتی متعارفشان اجتماعی شوهر را مدنظر قرار داده‌اند در حالی که اکثریت فقهای امامیه در مقدار متعارف طعام و خورش قائل به حال شخصی زوجه بوده اما در سایر نیازهای معیشتی متعارف و جنس طعام و خورششان اجتماعی زوجه را معتبر دانسته‌اند (عبدالهادی سالم و کمال الدین امام، ۱۳۸۸).

شرط وجوب نفقه زوجه، ازدواج دائم، تمکین و هم‌دینی است. پیمانی تشریعی به درازای زندگی مشترک، لاینقطع، بی‌توجه به توان زوجین، مقدم بر همه نفقه‌ها و دیون، نفقه مفوت‌ه دین و در زمان‌های سه‌گانه، قابل مطالبه‌اند. در نفقه اقارب، فقر منفق علیه، تمکن منفق و دوام این دو شرط است. اگر جای متمکن و فقر عوض شود، نفقه عکس و به‌تناوب واجب و ساقط می‌گردد. نفقه تابع پیوند خونی، بدیل پذیر و در طول عمود نسبت الاقرب فالاقرب حتی نفقه کافر هم واجب است. تنها نفقه حال و آینده قابل مطالبه است نه گذشته. ضمانت اجرای آن به این تفصیل و قدرت ضمانت اجرای نفقه زوجه نیست (کریمی و نوروزی، ۱۳۹۸).

بر این اساس در این نوشتار به بررسی تطبیقی شرایط و موارد استنکاف و ضمانت اجرای عدم پرداخت نفقه به زوجه در حقوق ایران و مصر می‌پردازیم.

۱. وضعیت حقوقی حاکم بر نفقه زوجه در قوانین و مقررات ایران

پرداخت نفقه توسط زوج من باب ریاست خانواده، در ماده ۱۱۰۶ ق.م. با مبنای فقهی مورد تأکید قانون‌گذار قرار گرفته است و در ماده ۱۱۰۷ مصادیق نفقه تمثیلی بنا به ضرورت بیان شده است. با دقت نظر در دو ماده مذکور به نظر می‌رسد قانون‌گذار با صراحت بیان مسئولیت نفقه بر ذمه زوج و مصادیق آن، قصد داشته است با تفکیک میان نکاح دائم و موقت در پرداخت نفقه، به موضوع تراضی طرفین اشاره کند که در عقد نکاح دائم مؤکداً پرداخت نفقه از سوی زوج به‌موجب حکم قانون است ولی در عقد نکاح منقطع، این امر ناشی از تراضی طرفین است. لذا بر طبق نظر دکتر کاتوزیان در نکاح دائم به این دلیل که پرداخت نفقه از حکم قانون نشأت گرفته است، طرفین نمی‌توانند ضمن عقد نکاح یا پس از آن تکلیف مرد را ساقط کنند (کاتوزیان، ۱۴۰۲). لذا نفقه زوجه در ازدواج دائم در حقوق اسلام و ایران بر عهده شوهر است در حقوق اسلام که احکام آن الهام‌بخش در تنظیم اصول و ضوابط بسیاری از موضوعات یا تقریباً بیشتر موضوعات و مسائل قانون مدنی مخصوصاً در باب احکام نکاح است تأمین هزینه خانواده از جمله کلیه مخارج شخصی زوجه دائم بر عهده شوهر است و زوجه در این زمینه هیچ‌گونه تعهد یا مسئولیتی نخواهد داشت هرچند زوجه از ثروت فراوانی برخوردار باشد بنابراین شوهر حق ندارد از تأمین هزینه نیازهای شخصی زن به علت دارا بودن و بی‌نیاز بودن زن خودداری کند این حکم در حقوق

ایران بدون تردید اعمال می‌گردد به عبارت دیگر تکلیف شوهر در پرداخت نفقهٔ زوجهٔ دائم چه در حقوق اسلام و چه در سیستم حقوقی ایران جز احکام مسلم و تخلف‌ناپذیر است.

در حقوق اسلام مستندات این حکم آیات قرآن و اخبار و روایات موثق واصله در این زمینه است بنابراین حکم شارع اسلام که مبنای قواعد قانونی مدنی ایران در باب نفقه است با شرط خلاف آن قابل تغییر نیست و اگر بر زوجهٔ دائم در هنگام انعقاد عقد ازدواج یا قبل و بعد از ازدواج شرط شود که نفقه و تأمین هزینه شخصی زن، در صورت ثروتمند و بی‌نیاز بودن از جهت مالی بر عهده خود زوجه باشد. چنین شرطی به علت مخالفت با حکم مسلم شرعی و در نتیجه به علت خلاف ضابطه آمده در سیستم حقوقی ایران باطل و بلااثر خواهد بود و زن به شرط عدم نشوز و انجام وظایف زناشویی بدون عذر موجه استحقاق دریافت نفقه و هزینه زندگی شخصی خود را از شوهر خواهد داشت (خلق الله و پور صادق کردی، ۱۳۹۴).

در قوانین موضوعه ایران، در نکاح موقت امکان توافق راجع به نفقه پیش‌بینی شده است، در خصوص نکاح دائم علیرغم اینکه ماده ۱۱۰۶ ق.م. نفقه زوجه را بر عهده شوهر قرار داده، ولی موضع قانون‌گذار در خصوص امکان توافق راجع به اسقاط یا تغییر الزام به انفاق در نکاح دائم روشن نیست و تصریح قانونی در این خصوص وجود ندارد (نصیران و جوادی، ۱۳۹۹). لازم به ذکر است، در قانون، با توجه به تکلیف قانونی زوج به پرداخت نفقه، در رابطه با معیار تعیین نفقه ضمن آنکه مجموع آخرین نشان اجتماعی شخص زوجه و خانواده پدری وی در قبل از نکاح ملاک است، از دو معیار نوعی و شخصی نیز برای شناسایی و تمایز گسترده نفقه زوجه و مصادیق آن از نیازهای غیر معیشتی بهره گرفته است به نحوی که از یک‌سو گستره نفقه زوجه را به دو ملاک متعارف بودن و تناسب داشتن وضعیت زوجه محدود کرده است و از سوی دیگر به مقتضای نقص جسمانی یا بیماری شخص زوجه، خادم را به‌عنوان مصداق نفقه زوجه ذکر نموده است. لذا زوج به لحاظ قانونی نسبت به نیازهای معیشتی نامتعارف و نامتناسب با شأن زوجه که در موارد اسراف و تبذیر جلوه می‌کند، تکلیفی بر عهده ندارد. علاوه بر آن در صورت اثبات تفاوت نفقه دریافتی و استحقاقی، زوجه می‌تواند مطابق ماده ۱۲۰۶ مابقی را تحت عنوان نفقه معوقه درخواست نماید.

۱-۱. میزان و ملاک پرداخت نفقه زوجه در قوانین ایران

سؤال اساسی این است که معیار تعیین مقدار نفقه زوجه چیست؟ برخی نیاز زن به‌حسب زمان و مکان را معیار تعیین نفقه دانسته‌اند. مشهور فقهای امامیه، شأن زن را معیار قرار داده‌اند؛ آنان عقیده دارند در تعیین نفقه زن، بایدشان خانوادگی او را در نظر گرفت؛ هرچند فراتر از نیاز وی یا توان مالی زوج باشد. گروهی از فقهای شیعه و سنی بر این باورند که لازم است شأن زوج و زوجه باهم معیار تعیین نفقه قرار بگیرد (نیازی و رضانی، ۱۳۹۵).

میزان و مصادیق نفقه یک مفهوم عرفی بوده و مؤلفه‌های زمان و مکان در آن نقش دارند. زوجه مالک نفقه است و زوج نمی‌تواند مبلغ مزبور را استرداد نماید. در مورد ملاک تعیین نفقه، اکثر فقها معتقد به معیار بودن وضعیت زوجه می‌باشند، برخی نیز وضعیت زوج را ملاک نفقه قرار می‌دهند. ماده ۱۱۰۷ ق.م. به پیروی از مشهور فقهای امامیه، وضعیت زوجه را ملاک قرار داده است. در حقوق اسلام و ایران برای تعهد به انفاق زوج دو نوع ضمانت مدنی و کیفری وجود دارد. زوجه در مواردی مانند نامناسب بودن محل سکونت زن، بیماری زن یا عادت ماهیانه، بیماری واگیردار زوج، خوف از ضرر جسمی، شرافتی، جانی و مالی و ... می‌تواند از شوهر خود تمکین نکند که در این موارد زوجه ناشزه

محسوب نشده و نفقه به وی تعلق می‌گیرد. باین‌حال دکتر کاتوزیان با استناد به ماده ۱۲ قانون حمایت از خانواده توجه به وضعیت اجتماعی طرفین را ضروری دانته و معتقد است هرچند در ماده ۱۱۰۷ ملاک تعیین نفقه تنها وضع زن قرارداد شده است، اما به نظر می‌رسد موقعیت و توان مالی زوج نیز باید لحاظ گردد؛ زیرا زوج و زوجه پس از نکاح، یک خانواده را تشکیل می‌دهند و مجزا از یکدیگر نیستند؛ بنابراین می‌توانشان زوج را معیار قرار داد و بر اساس آن به تأمین هزینه‌های همسر حکم کرد؛ هرچند فراتر از حدشان او باشد.

بنابراین، چنانچه زوجه با توجه به عدم تمکن مالی شوهر مبادرت به نکاح نماید، بی‌تردید حق هیچ‌گونه شکایت و اعتراض نخواهد داشت، زیرا خود به این ضرر اقدام نموده است؛ اما اگر زوج در هنگام ازدواج اظهار تمکن و یسار نماید و پس از آن معلوم گردد که از ادای نفقه از همان اول عاجز بوده، به نظر می‌رسد داخل در احکام ماده ۱۱۲۸ ق. «هرگاه زنی شوهرش فوت کرده و از شوهر خود حامله نباشد، فقها بالاتفاق معتقدند که نفقه در ایام عده بر ذمهٔ زوج نیست.» (خزایی، ۱۳۹۵)

بر همین اساس، قانون‌گذار ایران در مادهٔ ۱۱۰۷ ق.م.اصلاحی ۱۳۸۱/۸/۱۹، ضمن آنکه به معیار اکثریت فقهای امامیه تمایل نشان داده و مجموع آخرین‌شان اجتماعی شخص زوجه و خانواده پدرزن در قبل از نکاح را ملاک دانسته، از دو معیار نوعی و شخصی نیز برای شناسایی و تمایز گسترهٔ نفقهٔ زوجه و مصادیق آن بهره گرفته است (سربازیان و برزگر، ۱۳۹۶).

۱-۲. مصادیق نفقه زوجه در حقوق ایران

در باب مصادیق نفقه زوجه، در برخی موارد میان فقها اختلاف نظر وجود دارد؛ بنابراین، برای نمونه در زمینهٔ هزینه‌های درمان، در صورتی که میزان آن بسیار درخور توجه باشد، میان فقها اختلاف نظر است و نظر فقها در پاسخ به این سؤال که آیا هزینه‌های درمان زوجه جزء نفقه است یا نه و در صورتی که زوجه خود متمکن باشد، آیا بازم امکان مطالبه هزینه‌ها را تحت نفقه دارد؟ آرای مختلفی از سوی فقها مطرح است. محاکم در این زمینه رویه واحدی ندارند؛ بنابراین، به نظر می‌رسد که پرداخت هزینه‌های دارو و درمان نیز بر عهده مرد است، زیرا دلایل این امر نظیر ضرورت معاشرت به معروف، اهمیت بیشتر هزینه‌های درمان از مواردی نظیر مسکن و پوشاک، وجوب نفقه درمان به قرینه، وجوب نفقه زوجه در دوران بیماری را روشن می‌کند؛ بنابراین، در صورت استنکاف، اعسار و عجز شوهر، زن می‌تواند بر اساس ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی و در صورت اثبات عسر و حرج بر اساس ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی از دادگاه تقاضای طلاق کند؛ اما اگر زوجه خود توانایی پرداخت هزینه‌ها را دارد، به نظر می‌رسد امکان طرح دعوی طلاق از سوی وی را به دلیل عدم تحقق شرایط عسر و حرج باید غیرممکن دانست (صادقی مقدم و امیرحسینی، ۱۳۹۴).

۱-۳. ماهیت نفقه زوجه در حقوق ایران

از منظر حقوق اسلامی نفقه زوجه نسبت به نفقه اقارب تفاوت مبنایی دارد، به این معنا که نفقه زوجه یک حکم وضعی دارد و در هر مقطع زمانی موجب اشتغال ذمه و مدیونیت زوج است و در مقابل نفقه اقارب ماهیتاً یک تکلیف قانونی است و در صورت عدم تأدیه، دینی برای مکلف ایجاد نمی‌کند بنابراین به دین تبدیل نمی‌شود و قانون‌گذار فقط اجازه می‌دهد که جهت ادای تکلیف توسط ثالث، با انعقاد عقد قرض، منفق مستنکف را مدیون سازد. بر اساس مبانی فقهی، حق زوجه نسبت به نفقه، صرف حق مطالبه نیست، بلکه حق وی نسبت به نفقه از جنس مالکیت است و زوجه مالک نفقه می‌گردد و نسبت به این امر ادعای اجماع و عدم خلاف شده است. درحالی‌که نفقه

اقارب ماهیتاً یک تکلیف قانونی و فاقد هرگونه اثر وضعی همچون اشغال ذمه است و ماهیتاً یک التزام و تعهد صرف است و در صورت عدم تأدیه، دینی برای مکلف ایجاد نمی‌کند (خانی و محمدزاده اصل، ۱۳۹۹).

۱-۴. شروط تعلق نفقه زوجه در حقوق ایران

اصل استقلال مالی زوجین (جدایی مطلق اموال) تنها نظم مالی پذیرفته شده در ترتیب اموال زوجین در حقوق ایران است و مطابق آن، هریک از زوجین در اداره، تنظیم و تصرف اموالشان، اختیار کامل دارند. این اصل در فقه شیعه و حقوق ایران مسلم است و قواعد و اصول فقهی و آیتانی از قرآن کریم، دلالت روشنی بر این مطلب دارند. این قانون علاوه بر بالا بردن انگیزه زوجه از لحاظ روحی و روانی، پشتوانه محکمی در هنگام پیری یا فوت شوهر خواهد بود (عباس زاد محمودی و میر، ۱۳۹۶).

نفقه نوعی مسئولیت مالی است که با شرایط خاص خود بر ذمه افراد گذاشته می‌شود. طبق قانون، نفقه عبارت است از تمامی نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از جمله: مسکن، پوشاک، خوراک، اثاث منزل و هزینه‌های درمانی و بهداشتی و هر آنچه که لازمه یک زن می‌باشد. لازم به ذکر است که قانون، میزان دقیق نفقه را مشخص نکرده و میزان آن را بر مبنای نیازهای متعارف با وضعیت زن و منطبق با عرف زمان و مکان زندگی زوجین دانسته است (بسناس و سمیعان، ۱۳۹۵). لذا به محض اینکه عقد ازدواج صورت گرفت و زوجین زندگی زناشویی خود را آغاز کردند، شوهر مکلف به پرداخت نفقه است. البته زوجه در صورتی مستحق نفقه است که از همسر خود تمکین نماید. در جوامع دیگر نیز به منظور حمایت از زن، نفقه وجود دارد.

برخی نیاز زن به حسب زمان و مکان را معیار تعیین نفقه دانسته‌اند. مشهور فقهای امامیه، شأن زن را معیار قرار داده‌اند؛ آنان عقیده دارند در تعیین نفقه زن، باید شأن خانوادگی او را در نظر گرفت؛ هرچند فراتر از نیاز وی یا توان مالی زوج باشد. گروهی از فقهای شیعه و سنی بر این باورند که لازم است شأن زوج و زوجه با هم معیار تعیین نفقه قرار بگیرد (نیازی و رضانی، ۱۳۹۵). یکی از رویکردهای مجلس قانون‌گذاری بعد از انقلاب اسلامی ایران، اصلاح موادی از قانون مدنی به جهت تعمیم و گسترش حمایت‌های قانونی از زنان بوده است. ماده ۱۱۱۰ ق. م به همراه مواد ۱۱۰۷ و ۱۱۳۳ ق. م تحت عنوان «قانون اصلاح موادی از قانون مدنی» در نهم آبان ۸۱ اصلاح گردید. ماده ۱۱۱۰ سابق تصریح نموده بود: «زن در عده وفات نفقه ندارد.» در اصلاح اخیر، ماده به این صورت تغییر یافت: «در ایام عده وفات، مخارج زندگی زوجه عندالمطالبه از اموال اقاربی که پرداخت نفقه به عهده آنان است (در صورت عدم پرداخت) تأمین می‌گردد.» (سعادت مصطفوی و جلالیان، ۱۳۹۵)

صرف‌نظر از وجوب نفقه زوجه بر عهده زوج، معیار و ملاک تعیین نفقه زوجه، خاستگاه اختلاف‌نظر فقهی می‌باشد؛ به‌طوری‌که مشهور فقیهان، ملاک را به‌طور مطلق، شأن امثال «زوجه» در محل زندگی او می‌دانند. دیدگاه دوم، ملاک تعیین نفقه را شأن و وضعیت «زوجین» و دیدگاه سوم، ملاک را شأن و وضعیت «زوج» دانسته است. تحقیق حاضر ضمن تحلیل و بازخوانی مبانی اقوال موجود و نیز با بهره‌گیری از مستندات فقهی، در حکم فقهی مسئله، قائل به تفصیل شده و با لحاظ شرایط اقتصادی زوجین، به نظری تلفیقی از دیدگاه سوم و مشهور قائل شده است؛ بدین شیوه که در فرض همسانی‌شان و موقعیت اجتماعی خانواده زوجین یا متمول بودن زوج، ملاک تعیین نفقه را شأن و موقعیت اجتماعی زن دانسته اما در فرض عدم همسانی موقعیت اجتماعی و اقتصادی زوجین - به‌گونه‌ای که خانواده زوجه، متمول و زوج، فقیر و معسر باشد - ملاک تعیین نفقه زوجه، وضعیت اقتصادی زوج است. ره‌آورد این نظریه

تفصیلی، به پیشنهاد اصلاح ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی که به تبع قول مشهور فقیهان، به نحو اطلاق، شأن زوجه را ملاک تعیین نفقه قرار داده است، منجر شده است (دهقان نژاد و دیگران ۱۴۰۰).

درباره نفقه از دیدگاه فقه و حقوق حاصل شده عبارت است از تأمین هزینه‌های زندگی که شامل خانه اثاث خانه مسکن، طعام و خوراک دارو و درمان و خدمتکار در دو صورت (۱-مرض یا نقصان ۲- عادت زوجه) می‌باشد که از زمان عقد دائم و البته فاصله بین عقد تا ازدواج نفقه بر مرد واجب نیست بر عهده شوهر نمی‌باشد. در واقع نفقه یک نوع وعده مالی است و حکم به نفقه یک حکم شرعی است درباره میزان و حدود آن ضابطه خاصی وجود ندارد بلکه به شئون خانوادگی عرف و عادت ساکنان هر منطقه و وضع مالی مردم آن محل توجه می‌کنیم. از شرایط و وجوب نفقه ۱- عقد دائم ۲- تمکین می‌باشد که مراد از تمکین این است که زن در اطاعت شوهر و ادای وظایف زوجیت حسن معاشرت و سکونت در منزل شوهر است نفقه در متعه صورت واجب نمی‌گیرد این که شرط شده باشد. نفقه درباره زنی که مطلقه شده نیز تعلق می‌گیرد البته در طلاق رجعی در زمان عده واجب است اما در طلاق باین فقط به شرط باردار بودن نفقه صورت می‌گیرد زنی هم که شوهرش وفات نموده به طور کلی بیان شده ه نفقه ندارد چه حامل باشد یا نه زوجین در برابر یکدیگر حقوق و وظایفی دارند که انجام ندادن و رعایت نکردن این حقوق باعث نشوز می‌شود. زنی که در برابر شوهر اطاعت نمی‌کند ناشزه محسوب می‌شود و این امر خود موجب سقوط نفقه می‌گردد و چنانچه مردی از پرداخت نفقه به زوجه‌اش خودداری نماید به هر دلیلی می‌تواند برای مطالبه آن به دادگاه رفته و دادخواست نفقه خویش را نماید (ایزدی فرد و علیزاده، ۱۳۹۶).

در باب نفقه زوجه زاندانی و اینکه آیا زوج باید به زنی که در زندان به سر می‌برد نفقه بپردازد یا اینکه نفقه او ساقط می‌شود سؤالات و ابهاماتی در حقوق ایران و مصر وجود دارد. در قوانین ایران به این موضوع پرداخته نشده و رویه مشخص و روشنی هم در این باب وجود ندارد. در حقوق مصر طبق قانون احوال شخصیه و مذهب حنفی زوجه زاندانی مستحق دریافت نفقه از جانب زوج نمی‌باشد و استدلال‌هایی هم در این زمینه ارائه شده است. حقوقدانان مصری در این باب اختلاف نظر دارند و حالات مختلفی را برای زوجه زاندانی متصور شده‌اند که در این مقاله مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در حقوق ایران طبق ادله قانونی و لحن مواد ۱۱۰۲ قانون مدنی که تمکین شرط استحقاق نفقه نیست و ادله‌ای که در باب نفقه زوجه بیمار وجود دارد و زوجه بیمار را مستحق نفقه می‌داند، می‌شود به زوجه زاندانی تسری داد و چنین گفت که؛ باید به زوجه زاندانی هم نفقه تعلق بگیرد. در فقه هم که تمکین را شرط تعلق نفقه می‌داند، اگر تمکین غیرممکن شود زن حق دریافت نفقه را دارد (عزیزآبادی و امیرمحمدی و شفیعی بافتی، ۱۳۹۷).

مسئله دیگر در خصوص اشتغال زوجه است. در نظام حقوقی ایران و مصر، اشتغال زوجه یک حق مدنی محسوب شده است که تنها زمانی قابل سلب است که در تنافی با مصالح خانوادگی یا حیثیات زوج و زوجه بعد از اثبات در محاکم باشد. دیدگاه غالب در این زمینه این است که چنانچه زوجه حین ازدواج شاغل باشد و زوج بر این امر وقوف داشته باشد، در این صورت نیز حق مرد بر منع زوجه از اشتغال بر قوت خود باقی است، مگر آن که عقد نکاح مبنی بر ادامه اشتغال زوجه منعقد شده یا اشتغال ضمن عقد، شرط شده باشد. در این صورت این حق ساقط است (میراحمدی و شفیعی چایدره، ۱۴۰۰).

سومین مسئله در خصوص نفقه زوجه مفقودالایر است. هرگاه شخصی غایب مفقودالخبر شود و غیبتی پیدا کند که هیچ خبری از او نباشد، اگر مالی دارد یا ولی ای که امور را اداره می‌نماید یا شخصی تبرعاً نفقه زوجه او را می‌پردازد زن باید صبر کند؛ زیرا مسلم شدن فوت شوهر حیات او استصحاب می‌شود، باید نفقه زوجه دائم یا منقطع (در صورت شرط نفقه) که مدت او نگذشته را از دارایی غایب تأدیه نماید. پرداخت نفقه زوجه از بیت‌المال از سوی بعضی از فقها مطرح گردیده است. در جامعه کنونی و با وضعیت موجود، پذیرش این نظر محل اشکال است. همچنین پرداخت نفقه زوجه توسط شخص متبرع که از سوی مشهور فقها مطرح گردیده با اشکالات متعددی همراه است. اول اینکه الزام زن به قبول نفقه با شرافت و کرامت زن منافات دارد. حق مالی او باید با حفظ و رعایت شئون او تأمین گردد، ثانیاً پرداخت نفقه از سوی شخصی که تکلیفی در این باره ندارد، زوجه را در وضعیتی قرار می‌دهد که محکوم به صبر بوده و حق درخواست طلاق نداشته باشد (آقالر و رفیعی فروشانی، ۱۳۹۶).

۱-۵. ضمانت اجرای کیفری استنکاف از پرداخت نفقه زوجه در ایران

ترک انفاق در قانون جرم‌انگاری شده است و زوج در صورت نپرداختن نفقه، مورد تعقیب کیفری قرار خواهد گرفت. بر اساس نظر اکثر فقهای امامیه، زوجی که از پرداخت نفقه همسرش خودداری می‌کند، در صورتی که توان مالی داشته باشد زندانی می‌شود. اصلی‌ترین دلیل و مستند جواز حبس زوجه، روایاتی است که بر طبق آن‌ها حضرت علی زوجی که از پرداخت نفقه امتناع می‌کرد را حبس نمودند. همچنین برخی از موافقین حبس زوج مجهول‌الحال، استناد به روایاتی کرده‌اند که به‌طور عام اشاره به حبس زوج در صورت عدم پرداخت نفقه دارد. روایات مزبور بر جواز زندانی کردن زوج معسر و زوج مجهول‌الحال و فردی که ادعای اعسار می‌کند تا زمانی که اعسار اثبات نشود، دلالتی ندارد و صرفاً در مورد زوج موسری که از دادن نفقه امتناع کرده و مال ظاهری ندارد حکم تعزیری حبس ثابت است (کریمی، ۱۳۹۸).

حکم به عدم جواز حبس زوج و عدم جواز فسخ نکاح از جانب زوجه شیخ طوسی در المیسوط در مورد زوج معسر که اعسارش خواه به‌وسیله اقامه بینه اثبات شده باشد یا به‌وسیله اتفاق غرماء که در این مورد زوجه می‌باشد، بر اعسارش، می‌فرماید: «زمانی که زوج دچار اعسار شود و توان پرداخت نفقه همسرش را به‌هیچ‌وجه نداشته باشد، بر زن واجب است که صبر کند تا خداوند به همسرش توسعه دهد» (طوسی، ۱۴۱۷). آشکار بودن اموال در صورتی که زوج مال نقدی یا غیر نقدی آشکاری داشت، بر مبنای حکم برخی فقها قاضی می‌تواند مستقیماً از اموال او نفقه را پرداخت کند یا اینکه به زوجه اجازه تقصص می‌دهد که در این صورت نیاز به حبس زوج نیست و روایت نیز بر مورد حبس دلالت ندارد؛ اما برخی از فقها نیز قائل به حبس شده‌اند و آن را به‌عنوان ابزاری برای الزام و اجبار زوج به انفاق به کار می‌برند، مانند شیخ طوسی که گفته است: «اگر شوهر توان پرداخت نفقه را داشته باشد ولی ندهد، قاضی او را به پرداخت نفقه موظف می‌کند؛ اگر نداد او را مجبور می‌کند، اگر باز نداد وی را به زندان می‌افکند تا بر همسرش انفاق کند اگر باز امتناع ورزید و از جنس آنچه باید به‌عنوان نفقه به همسرش بدهد مالی دارد حاکم از آن مال به زوجه می‌پردازد و اگر مالی از غیر جنس بدهیش دارد حاکم با فروش آن مال نفقه همسر را می‌پردازد» (همان).

وفق ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی در صورتی که زن از وظایف زوجیت امتناع کند مستحق نفقه نخواهد بود. ذکر این نکته ضروری است که در مواردی که زوجه در عدم تمکین عذر موجهی نظیر استفاده از حق حبس، بیماری و غیره دارد

زوج یا زوجه، سفر زوجه و اختیار مسکن جداگانه به حکم دادگاه داشته باشد زوج را از پرداخت نفقه مستنکف نمی‌نماید. همچنین وفق ماده ۵۳ قانون مذکور در صورتی که با وجود استطاعت مالی زوج از پرداخت نفقه زوجه خودداری کند و یا از تأدیه نفقه سایر اشخاص واجب‌النفقه امتناع ورزد به حبس تعزیری درجه ۶ محکوم شده و امتناع از پرداخت نفقه زوجه‌ای که به موجب قانون مجاز به عدم تمکین است و نیز نفقه فرزندان ناشی از لقاح مصنوعی یا کودکان تحت سرپرستی مشمول مقررات این قانون خواهد بود. ماده ۶۴۲ قانون تعزیرات نیز استنکاف از پرداخت نفقه را در صورت داشتن استطاعت مالی جرم شناخته و مستنکف را از سه ماه و یک روز تا پنج ماه به حبس محکوم می‌کند. لذا ضمانت اجرای کیفری عدم پرداخت نفقه زن در صورت تحقق جرم ترک انفاق، حبس از سه ماه و یک روز تا پنج ماه می‌باشد. علی‌رغم نسخ این قانون با تصویب ماده ۵۳ قانون حمایت خانواده در سال ۱۳۹۱، بحث جرم انکاری ترک نفقه پای برجاست و تنها مجازات آن به حبس تعزیری درجه شش تغییر یافته است.

علاوه بر آن طبق ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ حبس تعزیری درجه شش شامل حبس بیش از ۶ ماه تا ۲ سال می‌باشد و مستند به بند ۹ از ماده ۵۸ قانون حمایت از خانواده جدید ماده ۶۴۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ منسوخ شده است. لذا به نظر می‌رسد قانون‌گذار با افزایش میزان مجازات ترک انفاق، به اهمیت موضوع تأکید کرده است. لذا در یک جمع‌بندی قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ در مواردی چون اجرای کیفری ترک انفاق، مجازات آن را تشدید نموده است (آقایی بجستانی و دیگران، ۱۴۰۲).

۲. وضعیت حقوقی حاکم بر نفقه در قوانین و مقررات مصر

در خصوص وضعیت حقوقی حاکم بر پرداخت نفقه اعم از مصادیق، ضرورت، معیار و ملاک تعیین و شروط تعلق نفقه زوجه در حقوق ایران و مصر به نظر می‌رسد وضعیت مشابه است، لیکن برای درک بهتر تنها به بیان شروط تعلق نفقه زوجه و سقوط و ضمانت اجرای کیفری استنکاف بسنده می‌کنیم.

۲-۱. شروط تعلق نفقه زوجه

در قوانین مصر، شوهر مکلف به پرداخت نفقه به زن خود است. اگر بدون حق قانونی از انفاق زن خودداری کند، زن حق دارد از مراجع قضایی بخواهد شوهر را مجبور به خرج کند (همان). قانون مصر نظر فقهای حنفی را می‌پذیرد که دلیل الزام زن به نفقه شوهر، حفظ حقوق شوهر است؛ یعنی زن به رسیدگی به امور شوهرش بسنده می‌کند و برای رسیدن به مقاصد زناشویی وارد اطاعت او می‌شود. موضوع لذت در قوانین احوال شخصیه مصر در ماده ۱۸ bis فرمان قانون شماره ۲۵ سال ۱۹۲۹ اضافه شده توسط قانون شماره ۱۰۰ سال ۱۹۸۵ مطرح شده است که می‌گوید: «زنی که به عقد صحیح درمی‌آید در صورتی که شوهر بدون رضایت یا به هر دلیلی او را طلاق دهد، علاوه بر نفقه عده، مستحق استحقاق حداقل دو سال است. نفقه با در نظر گرفتن شرایط مطلقه اعم از سهل یا عسر و حرج و شرایط طلاق و مدت عقد، اجازه دادن به طلاق داده شده است.» (البنّا کمال صالح، ۱۹۹۶).

نفقه عقد موقت نیز بر اساس نص قانونی مذکور مبلغی است که حداقل برای دو سال نفقه تخمین زده می‌شود که در صورتی که شوهرش بدون رضایت یا به موجب او، او را طلاق دهد، به زن نکاح صحیح تعلق می‌گیرد و این نفقه است. علاوه بر نفقه مدت انتظار او. به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های تعلق

نفقه در حقوق مصر ایران همین بحث تعلق نفقه به عقد موقت در حقوق مصر باشد. این موضوعی است که دادگاه تجدیدنظر مصر نیز در آرای خود تأیید کرده است که «تعیین رابطه موقت برای زن مطلقه، مبنی بر جبران خسارت زن مطلقه، تسلی و معاضدت است، نه مجازات سوءاستفاده از سوی شوهر از حق طلاق او.»^۱ شرایطی که برای برخورداری از نفقه در حقوق مصر ضروری است همانند ایران است با این تفاوت که برای عقد موقت نیز نفقه در نظر گرفته شده است. نفقه فقط برای زنی که با او عقد صحیح منعقد شده باشد، واجب است، مانند نامزدی و سپس نامزدی بدون رضایت او یا به خاطر او باطل می‌شود، پس مستحق نفقه نیست. ضمناً عقد باید صحیح باشد و اگر عقد باطل یا باطل باشد نفقه واجب نیست. از نظر مکتب حنفی، نفقه دو حالت دارد: اولی واجب است که در آن نفقه واجب است و مورد دوم مستحب است. در خصوص مورد اول باید چنین بیان داشت که برای زوجه‌ای که با او عقد صحیح بوده، نفقه واجب است. لذا اگر زوج قبل از صیغه و زناشویی به دلیلی از او جدا شد، خواه این جدایی طلاق باشد یا فسخ، اگر در زمان عقد برای او مهریه معین نکرده باشد، هرچند به نام آن باشد و یا در زمان عقد نامی نادرست آورده‌اند یا بر نفی مهریه توافق شده است. یا اگر زن بعد از صیغه طلاق داده شود، علاوه بر مهریه نفقه هم خواهد داشت، خواه مهریه معین باشد یا مهریه معمولی. در خصوص مورد دوم نیز نفقه در صورتی مستحب و واجب نیست که زن قبل از صیغه و عزلت طلاق داده شده باشد و در ضمن عقد برای او مهری معین شده باشد، پس علاوه بر نصف مهر معین نفقه خواهد داشت، بر وی واجب است (عبدالوهاب خلاف، ۲۰۲۰).

۲-۲. شرایط سقوط نفقه در حقوق مصر

شرایط سقوط نفقه در حقوق مصر به شرح ذیل است:

۲-۲-۱. زوجه ناشزه

زن فاسق کسی است که بدون دلیل شرعی یا به دلیل غیر او از شوهر خود سرکشی کند؛ مانند اینکه از نقل مکان به خانه شوهر خودداری کند، باینکه خانه شوهرش به درستی آماده شده باشد، یا زن بدون اجازه شوهر بدون دلیل قانونی خانه را ترک کند، یا با اجازه او از ورود او به خانه‌اش که در آن زندگی می‌کند جلوگیری کند، یا زن از مسافرت با شوهر به محل زندگی او خودداری کند (همان). در این موارد زن نافرمان است و حق بازداشت شوهر را سلب کرده است؛ بنابراین، هزینه‌های او کاهش می‌یابد (همان، ص ۶۸). اما در صورتی که زوجه از نقل مکان به خانه زوجه خودداری کند یا خروج او از خانه بدون اذن شوهر با توجیه قانونی یا دلیلی انجام شده باشد، زن فاسق نیست و نفقه او ساقط نمی‌شود. قسمت شوهر: مثلاً خانه برای سکونت نامناسب است یا زن از شوهرش خواسته بود که او را از خانه‌ای که با او زندگی می‌کرد به خانه دیگری منتقل کند و او این کار را نکرد، سپس از ورود او جلوگیری کرد. خانه یا کشوری که شوهر به آن سفر می‌کرد نامن بود یا زن در قرارداد ازدواج خود شرط کرده بود که او را از کشوری که در آن زندگی می‌کند نقل مکان نکند یا برای پرستاری از یکی از والدینش خانه را ترک کرده باشد برای برآوردن نیازهای او طبق عرف یا ضرورت (احمد محمود خلیل، ۲۰۲۲).

۲-۲-۲. همسر مسافر

اگر زن تنها یا با محرم بدون اذن شوهر مسافرت کند، نفقه ندارد. چون حق نگهداری شوهرش را از او سلب کرده است (همان).

۲-۲-۳. همسر شاغل

در بند پنجم ماده ۱ قانون شماره ۱۰۰ سال ۱۳۶۴ آمده است: «در مواردی که شرع اجازه می‌دهد، چنانچه زوجه بدون اذن شوهر از خانه خارج شود، دلیل بر اسقاط نفقه محسوب نمی‌شود. یک متن یا طبق عرف یا برحسب ضرورت به کار مشروع نمی‌رود مگر اینکه به نظر برسد که استفاده او از این حق مشروط با سوءاستفاده از حق یا مغایر با مصلحت خانواده باشد. شوهر از او می‌خواهد که از آن خودداری کند.» (همان) بر این اساس، زن می‌تواند برای انجام کار مشروع خود از خانه خارج شود و شوهر نمی‌تواند او را از بیرون رفتن به کار منع کند و در صورت ترک، نفقه او ساقط نمی‌شود. این در موارد زیر است: (احمد ابراهیم، ۲۰۰۳)

شرط در عقد ازدواج او مبنی بر اینکه زن باید کار کند یا در محل کار بماند.

اگر مرد با دانستن کار او قبل از ازدواج با او ازدواج کند.

اگر شوهر موافق باشد که همسرش بعد از ازدواج با او سر کار برود.

کار زن در این موارد مشروط به عدم سوءاستفاده از حق بیرون رفتن او برای کار است، در غیر این صورت ممکن است شوهرش مانع کار شود و کار زن نباید با مصالح خانواده منافات داشته باشد (مثل اینکه کار او باشد). از او می‌خواهد که شبها بیرون از خانه بیدار بماند.

۲-۲-۴. همسر زندانی

اگر زوجه به دلیل جرم یا بدهی حبس شود، حتی اگر حبس ناعادلانه بوده باشد، در زمان حبس مستحق نفقه نیست. چون شوهرش به دلیلی که ربطی به او نداشت از حق بازداشت مستلزم نفقه محروم شد (همان). اما اگر حبس زن برای احقاق حقوق زوج باشد. اگر به او مدیون بوده و او به خاطر عدم پرداخت دین، حبس او را مطالبه کند، نفقه او ساقط نمی‌شود؛ زیرا او بود که به دنبال از دست دادن حق بازداشت خود بود (همان).

۲-۲-۵. همسر ربوده شده

زن ربوده شده در مدت ربوده شدن نفقه ندارد. زیرا ضایع شدن حق حبس اگرچه از طرف او دلیل نباشد، از طرف شوهر هم دلیل نیست (احمد الفراج حسین، ۱۹۹۸).

۲-۲-۶. همسر مرتد

اگر زن مسلمان اسلام را به دین دیگر یا الحاد بسپارد، نفقه او ساقط می‌شود؛ زیرا ارتداد او از اسلام، جدایی او و شوهرش را ایجاد می‌کند.

۲-۳. ضمانت اجرای استنکاف از پرداخت نفقه زوجه در مصر

ترک انفاق در مواقعی جرم است که شوهر یا فرد مطلقه بسته به شرایط از پرداخت نفقه یا اجرت امتناع می‌کند، سپس برای اجبار او به پرداخت نفقه به دعوی مبادرت می‌ورزد، اما گاه به لجاجت ادامه می‌دهد، خواه حبس. قانون مجازات اسلامی با مشکل مواجه شده است و در ماده ۲۹۳ مجازات یک سال حبس یا جزای نقدی برای افرادی که از پرداخت نفقه خودداری می‌کنند، پیش‌بینی کرده است استفاده نادرست، این حبس، حبس با نفقه یا همان چیز نیست. هرکس رأی دادگاه لازم‌الاجرا مبنی بر پرداخت نفقه به همسر یا بستگان یا همسر یا اجاره‌بهای حضانت یا شیردهی یا مسکن صادر شده و تا مدتی از پرداخت خودداری کند. سه ماه پس از اخطار به پرداخت به حبس از یک سال و جزای نقدی از پانصد لیره یا یکی از این دو مجازات محکوم می‌شود. اقامه دعوی علیه او فقط بر اساس شکایت طرف ذینفع ممکن است. چنانچه پس از صدور حکم، دعوای دوم علیه وی به این جرم مطرح شود، مجازات وی حبس حداکثر از یک سال خواهد

بود. در کلیه موارد چنانچه محکوم علیه آنچه را که در بدهی خود محکوم شده است بپردازد، اولاً بین نفقه حبس تعزیری که در ماده ۷۶ مکرر قانون شماره ۱ سال ۱۳۷۹ مقرر شده است که در این ماده ۳۰ روز حبس می‌شود، بین نفقه منصرف حبس وجود دارد. ماده ۷۶ م.ا مقرر می‌دارد: «در صورتی که محکوم علیه از اجرای حکم قطعی صادره در دعاوی مربوط به هزینه و اجرت و سایر امور مربوطه خودداری کند، محکوم له می‌تواند موضوع را به دادگاهی که حکم صادر کرده یا اجرا در حوزه آن است ارجاع دهد. انجام می‌شود و به محض اینکه ثابت شود که محکوم علیه توانایی انجام آن جرم را دارد و در صورت عدم تمکین به حبس حداکثر از سی روز محکوم می‌شود.»

ثانیاً، وفق ماده ۲۹۳ مجازات در مرحله‌ای پس از اجرای حکم جزای نقدی، حبس فعال می‌شود و در صورت استمرار به حبس محکوم می‌شود، اما مدت حبس وی از مجازات مقرر کاهش می‌یابد به‌عنوان مثال، زوج به دلیل امتناع از پرداخت نفقه محکوم به ۳۰ روز حبس تعزیری و سپس زوجه به دلیل امتناع از پرداخت نفقه به یک سال حبس تعزیری متوسل شده است. در ماده ۲۹۳ مجازات‌هایی را مقرر می‌دارد: کسی که حکم دادگاه لازم‌الاجرا به پرداخت نفقه همسر یا اقارب یا همسر یا حق حضانت یا شیردهی یا مسکن صادر شده باشد و از پرداخت آن خودداری کند. پرداخت در حین توانایی برای مدت سه ماه پس از اخطار به پرداخت به یک سال حبس و جزای نقدی از پانصد لیره یا یکی از این دو مجازات محکوم می‌شود.

در صورتی که پس از صدور حکم، دعوای دوم علیه وی به خاطر این جرم مطرح شود، مجموعاً مجازات او حبس از یک سال نخواهد بود در صورتی که محکوم علیه آنچه را که در بدهی خود منجمد شده است بپردازد یا ضامن مورد قبول خود را ارائه دهد، مجازات اجرایی نخواهد شد. اولاً بین حبس با توقیف نفقه تفاوت وجود دارد و این در ماده ۷۶ مکرر قانون شماره ۱ ۲۰۰۰ مقرر شده است که بر اساس ماده ۷۶ ممتنع از نفقه به مدت ۳۰ روز حبس می‌شود. مقرر می‌دارد: در صورت استتکاف محکوم له از اجرای حکم قطعی صادره در دعاوی... مخارج و اجرت و امثال این‌ها جایز است محکوم له موضوع را به دادگاهی که حکم صادر کرده یا در حوزه آن است تسلیم کند. اجرای حکم به محض اینکه ثابت شود که محکوم علیه قادر به انجام آن چیزی است که به آن محکوم شده و به او دستور داده است. چون در مرحله‌ای بعد از اجرای حکم حبس، ماده ۲۹۳ فعال می‌شود، محکوم می‌شود، اما مدت حبس وی از مجازات مقرر کسر می‌شود.

ماده ۲۹۳ ق.ا.م و ۳ قانون آیین دادرسی کیفری به دلیل تأثیر این جرم بر نظام خانواده و تأثیر بر روابط خانوادگی با توجه به مقرراتی که برای شکایت به‌عنوان محدودیت در اقامه دعوی کیفری مقرر شده است، حکم صادر شده است بر اساس آنچه که توسط قوه قضائیه دیوان عالی کشور و رویه قضایی قانون مجازات اسلامی مقرر شده است. مراجعه قبلی به محاکم احوال شخصیه و خاتمه کلیه تشریفات مقرر در ماده ۷۶ مکرر قانون احوال شخصیه. لذا با عنایت به مهلت مقرر در ماده ۳ آیین دادرسی کیفری در خصوص جرائم شکایت، قانون‌گذار به‌موجب ماده ۷۶ مفاد ماده ۷۶ مذکور به هر کس در دعوای هزینه و اجرت و نظایر آن حکم قطعی صادر شده است در صورت استتکاف محکوم علیه از اجرای آن به دادگاه احوال شخصی صادرکننده اجازه داده است. حکم یا اجرای آن در حکم حبس محکوم به تشریفات و مقررات مندرج در این ماده صادر شود. حکم حبس صادره در پرونده مذکور در بند قبل با رعایت مفاد ماده ۹ همین قانون قابل تجدیدنظرخواهی نیست.

قانون‌گذار شرایط اعمال ماده ۲۹۳ ق.م.ا و ارتباط آن با ماده ۷۶ مذکور را مشخص کرده و تشریفات مندرج در ماده یک را لازم‌الرعايه و اقامه دعوی کیفری برای قاضی‌الذکر دانسته است. جرم ترک خانواده که قبلاً قبل از صدور حکم به نفع وی بوده است، به محاکم احوال شخصیه مراجعه و تشریفات مقرر در ماده ۷۶ مذکور فوق‌الذکر را طی کند و سپس اعضای دادسرا باید قبل از صدور حکم، انجام هر یک از مراحل تحقیق در مورد جرم فوق‌الذکر یا تشکیل پرونده از دادستانی عمومی در رابطه با آن به دادگاه جنایی ناحیه، اطمینان حاصل شود که تشریفات مذکور به اتمام رسیده است و در صورتی که مشخص شود این تشریفات انجام نشده است، شکایت خود را ارائه کنید. تمام شده و یا اینکه شکایت ارائه نشده است، اوراق باید در دفتر شکایات اداری درج شده و به صورت اداری نگهداری شود. با اجرای ماده ۲۹۳ قانون مجازات اسلامی باید احراز شود که محکوم‌علیه علیرغم توانایی خود به مدت سه ماه پس از اخطار به پرداخت، حتی پس از محکومیت به حبس پرداخت، از پرداخت خودداری کرده است. طبق ماده ۷۶ مذکور که محاکم احوال شخصیه آن را یکی از ابزارهای اجبار فیزیکی برای اجبار محکوم به پرداخت تعیین کرده‌اند. در صورتی که قبلاً طبق مفاد ماده ۷۶ مافوق محکوم‌علیه به‌عنوان اجبار بدنی بر محکوم‌علیه اعمال شده و به‌موجب همان واقعه به حبس تعزیری در اجرای ماده مذکور از سوی دادگاه جنایی ناحیه محکوم شده است. «۲۹۳» ق.م.ا، در صورتی که مدت اجبار بدنی بیش از مدت حبس محکوم به جزای نقدی باشد، مدت اول اجبار فیزیکی از مدت حبس کسر می‌شود. پس از اعدام به ازای هر یک از روزهای اضافی یا هر روز اجبار فیزیکی که قبلاً بر آن اعمال شده بود، پنج پوند کاهش می‌یابد. با این حال، ضوابط مندرج در بخشنامه شماره ۴ سال ۲۰۰۰ در خصوص اعمال ماده ۲۹۳ ق.م.ا به نحوی که مغایر با مفاد این بخشنامه نباشد باید رعایت شود (همان).

نتیجه‌گیری

در بررسی تطبیقی ضرورت پرداخت، شرایط تعلق و سقوط نفقه و ضمانت اجرای کیفری در صورت استنکاف از پرداخت نفقه در حقوق ایران و مصر به نتایج ذیل دست یافتیم.

۱- به نظر می‌رسد در خصوص شرایط تعلق نفقه نظیر تمکین اعم از خاص و عام، عقد صحیح و ... قانون ایران و مصر مشابه هستند و از نظر اجرایی نیز تفاوت‌های اندکی در خصوص تعیین میزان و نحوه تعیین آن تفاوت‌هایی دیده می‌شود.

۲- در خصوص شرایط سقوط و تعیین نفقه در دو نظام حقوقی مذکور به نظر می‌رسد در حقوق مصر برخلاف حقوق ایران نفقه به عقد موقت نیز تعلق می‌گیرد. در نظام حقوقی ایران، در عقد موقت، زن، حق نفقه ندارد و به او، نفقه تعلق نمی‌گیرد. تنها راه برقراری نفقه در صیغه، این است که هنگام وقوع عقد، یا پیش از آن، بر نفقه عقد موقت، توافق گردد و مرد، مسئولیت پرداخت نفقه زن در صیغه را بر عهده بگیرد. درج نفقه زن در عقد موقت، به صورت شرط ضمن عقد نیز موجب تعلق نفقه صیغه، به زوجه در عقد موقت صورت می‌گیرد؛ بنابراین، با توجه به این که در ماهیت (عقد موقت) نفقه وجود ندارد و شرط کردن نفقه در عقد موقت ماهیت عقد را تغییر نمی‌دهد؛ لذا زوجه نمی‌تواند ادعای نفقه را به صورت کیفری مطرح کند و لذا مجاز است نفقه را از طریق عرض حال حقوقی مطالبه کند.

۳- در خصوص ضمانت اجرای کیفری استتکاف زوج از پرداخت نفقه زوجه نیز در حقوق ایران و مصر مجازات حبس در نظر گرفته شده است که البته در حقوق مصر این مجازات می‌تواند همراه با مجازات مکمل جزای نقدی صورت گیرد.

در پایان پیشنهاد می‌شود با بررسی تطبیقی موردی با کشورهایی که حقوق آنان برگرفته از فقه است در راستای کاهش جمعیت کیفری ناشی از عدم پرداخت مهریه و نفقه علی‌رقم نظر قانون‌گذار بر اهمیت و شدت مجازات حبس در بازدارندگی راهکارهای دیگری نظیر اصلاح مواد قانونی اتخاذ گردد.

منابع

الف) منابع فارسی

- آقالر، بهرام و رفیعی فروشانی، احمدرضا، ۱۳۹۶، بررسی تطبیقی احکام نفقه زوجه غایب مفقودالاندر در فقه و حقوق، همایش بین‌المللی حقوق علوم سیاسی و معارف اسلامی، قرچک، <https://civilica.com/doc/669322>
- آقایی بجستانی، مریم و دیگران (۱۴۰۲) بررسی فقهی ضمانت اجرای کیفری مهریه، نفقه و حضانت با نگاهی به آموزه‌های قرآنی، مطالعات قرآنی، بهار، شماره ۵۳.
- احمدوند، خلیل الله و شنبه‌پور، حدیث (۱۴۰۲) بررسی تطبیقی دو قاعده لاضرر و نفی عسر و حرج در اعسار زوج از پرداخت نفقه با لزوم تمکین زوجه، قانون یار، بهار، سال هفتم، شماره ۲۶، ص ۲۱۳
- ایزدی فرد، علی اکبر و علیزاده، صفورا، ۱۳۹۶، بررسی فقهی و حقوقی نفقه زوجه، اولین کنفرانس ملی حقوق و علوم سیاسی، تهران، <https://civilica.com/doc/807307>
- بسناس، مهتری و سمیعیان، آیلا، ۱۳۹۵، بررسی حق نفقه زن در حقوق ایران و اسلام، کنفرانس بین‌المللی نوآوری و تحقیق در علوم انسانی و مطالعات فرهنگی اجتماعی، قم، <https://civilica.com/doc/609862>
- خانگی، حیدر و محمدزاده اصل، محمد، ۱۳۹۹، مبانی تمایزات نفقه زوجه نسبت به نفقه سایر اقارب، سومین کنفرانس ملی و دومین کنفرانس بین‌المللی حقوق و علوم سیاسی، تهران، <https://civilica.com/doc/1171393>
- خزایی، احمد رضا (۱۳۹۵) بررسی فقهی حقوقی نفقه با نشوز زوجه، پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، پاییز، شماره ۴۵.
- خلق الله، ساجده و پور صادق کردی، علی (۱۳۹۴) بررسی فقهی - حقوقی نفقه زوجه و ضمانت اجرای مدنی و کیفری، اولین همایش ملی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی ایران، دهقان نژاد، رضا و دیگران (۱۴۰۰) نگاهی نو به معیار نفقه زوجه در فرض اعسار زوج، نشریه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دوره ۵۴، شماره ۲، پاییز و زمستان.
- سربازیان، مجید و برزگر، غلامرضا (۱۳۹۶) معیار تعیین نفقه زوجه در فقه امامیه و حقوق مدنی نشریه مطالعات حقوقی، بهار، شماره ۲۳۹.
- سعادت مصطفوی، سید مصطفی و جلالیان، ابراهیم (۱۳۹۵) مبانی فقهی و حقوقی پرداخت نفقه به زن در ایام عده وفات، آموزه‌های حقوقی گواه، بهار و تابستان، شماره ۲.
- صادقی مقدم، محمد حسن و امیرحسینی، امین (۱۳۹۴) نفقه و نیازهای درمانی زوجه، نشریه زن رد فرهنگ و هنر، پژوهش زنان، شماره ۳.
- عباس زاد محمودی، مهسا و میر، منصور، ۱۳۹۶، بررسی حقوق مالی زن در حقوق ایران با تأکید بر نفقه، کنفرانس ملی تحقیقات علمی جهان در مدیریت، حسابداری، حقوق و علوم اجتماعی، شیراز، <https://civilica.com/doc/737673>
- عزیزآبادی، شیوا و امیرمحمدی، محمدرضا و شفیعی بافتی، نگین، ۱۳۹۷، مطالعه تطبیقی وضعیت نفقه زوجه زندانی در حقوق ایران مصر، کنفرانس بین‌المللی مطالعات بین‌رشته‌ای در مدیریت و مهندسی، تهران، <https://civilica.com/doc/883237>
- کاتوزیان، امیرناصر (۱۴۰۲) حقوق خانواده، چاپ پنجم، گنج دانش، تهران. ص ۱۵۸
- کریمی، مریم و نوروزی، سمیه (۱۳۹۸) تفاوت نفقه زوجه و اقارب در فقه امامیه، پژوهش‌های فقهی زنان و خانواده،

پاییز و زمستان، شماره ۲، ص ۴۴

کریمی، نسرين (۱۳۹۸) جرم انگاری ترک انفاق در فقه و حقوق ایران با نگاهی به فقه اهل سنت، پژوهشنامه حقوق

اسلامی، بهار و تابستان، شماره ۴۹، ص ۱۷۱

میراحمدی، مریم و شفیعی چایدره، فاطمه، ۱۴۰۰، اشتغال زوجه و تأثیر آن بر نفقه در حقوق ایران و مصر، هشتمین

کنفرانس بین المللی مطالعات حقوقی و قضایی، <https://civilica.com/doc/1326592>

نصیران، داوود و جوادی، امین (۱۳۹۹) بررسی امکان توافق راجع به نفقه همسر در حقوق ایران و انگلستان، دیدگاه‌های

حقوق قضایی، پاییز، شماره ۹۱.

نیازی، قدرت الله و رضائی، علی (۱۳۹۵) معیار نفقه زوجه، نشریه فقه و حقوق خانواده، پاییز و زمستان، شماره ۶۵.

(ب) منابع عربی

احمد ابراهیم (۲۰۰۳) نظام النفقات فی الشریعه الاسلامیه، جلد سوم، قاهره، مصر، انتشارات القاهره.

احمد الفراج حسین (۱۹۹۸) اولاد و نفقه الاحکام الاسره، انتشارات المعارف.

احمد محمود خلیل (۲۰۲۲) الوسیط فی شرح احکام الاسره، المكتب الجامعی الحدیث، قاهره.

البنا کمال صالح (۱۹۹۶) دعاوی الاحوال الشخصیه، پاپ سومف قاهرهف مصر، نشر دارالکتب.

جابر عبدالهادی سالم و محمد کمال الدین امام (۱۳۸۸) احکام خانواده، مطبعه السعدانی، اسکندریه. ص ۲۵۰

طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۷) المبسوط فی فقه الامامیه، تهران، نشر صدوق.

طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۸) الخلاف، تهران، تابان.

عبدالوهاب خالاف (۲۰۲۰) حقوق خانواده در فقه حنفی و حقوق مصر، ترجمه فیروز منصوری، انتشارات نورالامین، تهران.